

قبیل موضوعات، خود را به عنوان قربانی نمایش دهد و با این ادعا، کمک‌های اقتصادی و نظامی دریافت کند تا توانایی‌های خود را تکمیل و مسائل اقتصادی و اجتماعی داخلی‌اش را سامان بخشد. مشخص بود که این روند، در نهایت ما را به جایی می‌کشاند که متأسفانه رساند.

❖ چرا این موضوع برای سیاست‌گذاران ما به اندازه کافی روشن نبود؟
از سال ۱۳۹۹ به این سو، مشاهده می‌کنیم که سیاست‌گذاران کلیدی، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای، به جای تمرکز بر رفع نگرانی‌های امنیتی طرف مقابل، به‌طور پیوسته بر تشدید عوال تنش‌آفرین تمرکز کردند: از جمله افزایش غنی‌سازی تا سطح ۲۰ درصد و در ادامه تا ۶۰ درصد، کاهش همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به‌طور کلی بالا رفتن از پلکان تنش. این پرسش اساسی وجود دارد که چرا این مسیر انتخاب شد؟

در نگاه نخست، به نظر می‌رسد یکی از دلایل این وضعیت خطاهای شناختی است و دلیل دیگر آن تحلیل مبتنی بر واقعیات یا داده‌های نادرست؛ بدین معنا که برداشت نادرستی از وضعیت موجود شکل گرفت و همین برداشت نادرست، مبنای تحلیل قرار گرفته است، در نتیجه آن تحلیل نیز به طور طبیعی نادرست از کار درآمده است. به هر حال روشن و آشکار بود که غنی‌سازی به خودی خود بازدارندگی ایجاد نمی‌کند، اما مشخص نیست چرا برخی در ایران چنین تصویری داشتند که غنی‌سازی بازدارندگی ایجاد می‌کند، یا به عنوان حربه و اهرم فشار عمل می‌کند؛ به این معنا که اگر ما در مسیر غنی‌سازی گام به گام پیش برویم، طرف مقابل ناگزیر خواهد شد با ما وارد مذاکره شود، امتیاز دهد و مسائل را حل کند. شاید هدف برخی در داخل نظام، اساساً ساخت سلاح هسته‌ای نبوده باشد. البته این‌گونه نیست که به‌طور قطعی بتوان گفت در هیچ دوره‌ای چنین اندیشه‌ای وجود نداشته است؛ چه‌بسا در مقطعی از گذشته، به‌ویژه در اواخر جنگ ایران و عراق، برخی به چنین موضوعی اندیشیده باشند. با این حال، احتمالاً مقامات کشور در نهایت متوجه شده‌اند که این حوزه، عرصه‌ای به‌شدت پریسک است؛ عرصه‌ای با مخاطرات بسیار بالا، به‌ویژه با توجه به موقعیت و سیاست‌های خاص جمهوری اسلامی ایران. با وجود این، می‌توان حدس زد که بالا رفتن روی پلکان غنی‌سازی در نگاه برخی، ابزاری برای کسب امتیاز و تبادل آن تلقی می‌شد.

در مقطعی، با توجه به این‌که ایالات متحده، کشورهای اروپایی و سایر طرف‌ها مسئله بر جام را با ایران دنبال می‌کردند و جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تعهدات خود عمل کرده بود، روندی آغاز شده بود که شاید می‌توانست ادامه یابد و حتی به برخی موضوعات دیگر نیز تسری کند. اما خروج ترامپ از بر جام، ضربه‌ای جدی به این روند وارد کرد و مشکل حادی را پدید آورد. در چهار سال اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ من بارها و بارها ده‌ها مقاله نوشتم که ببینید این آقا چه می‌گوید، بنشینید با او صحبت کنید ببینید چه می‌گوید، وقتی که می‌گوید «من می‌خواهم بر جام را اصلاح بکنم!» منظورش چیست؟ و واقعاً هم آن دوره تمام تأکیدش بر اصلاح بر جام بود. آن زمان می‌گفت که به‌ خاطر اوایما این توافق خوب نبوده، درست نبوده، ایراد دارد و من ایرادانتش را رفع می‌کنم و من تصورم این بود که دنبال همان الگوی نفتا است. من و دیگران گفتیم که شما با ایشان صحبت نکنید، در داخل وزارت خارجه نیز کسانی بودند که نظرشان همین بود. ولی خب تصمیم‌گیر نبودند که ببینند ترامپ چه می‌گوید و اصلاحی که مدنظرشان است چیست و خب موافقت نشد.

ترامپ تلاش بسیار زیادی کرد، مکرور را واسطه کرد، سناتور رند پال را واسطه کرد در نیویورک که از آقای ظریف دعوت کند در کاخ سفید بنشینیم با هم صحبت بکنیم. همچنین یک نشستنی گروه هفت در بئاتریس فرانسه داشت، آقای ظریف با یک هواپیمای شخصی سریع رفت آن‌جا، در شهرداری آن شهر کوچک با مکرور به گفت‌وگو نشستند، ترامپ هم اصرار کرده بود که او هم برود و در آن جلسه حضور داشته باشد اما مقامات ما اجازه اینکه با ترامپ صحبت بکنند نداشتند و نتیجه‌اش این شد که یک دور رفت، دور دوم با قدرت بیشتر و شرایط ذهنی متفاوتی آمد و به هر حال این شد که شد و ما رسیدیم به این وضعیتی که الان در آن قرار داریم.

❖ حالا دقیقاً می‌رسیم به همین جا و به وضعیتی که در آن هستیم. آیا فکر می‌کنید تغییری در تفکر سیاست‌گذاران اصلی سیاست خارجی کشور ایجاد شده یا هنوز در به همان پاشنه قبلی می‌چرخد؟

من نشانه‌ای نمی‌بینم که حاکی از تحول جدی در ذهنیت مقاماتی باشد که در حوزه سیاست خار جی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ حتی تأثیرات ناشی از جنگ نیز به نظر نمی‌رسد تغییری ایجاد کرده باشد. به‌علاوه، به نظر می‌رسد در برخی جهات، حتی در مسیر منفی‌تری حرکت می‌کنیم. برای مثال، آقای عراقچی از همان ابتدا در جلسه رأی اعتماد، یا بلافاصله پس از آن، اعلام کردند که خصومت و تخاصم میان ایران و آمریکا مبنایی است و قابل حل

نیست. این دیدگاه، هرچند نظر شخصی ایشان محسوب می‌شود و قابل احترام است، اما در سیاست خارجی تحول محسوب می‌شود. در دولت‌های قبلی، حتی در دولت احمدی‌نژاد، بارها بر تلاش برای تنش‌زدایی تأکید می‌شد و هرگز این‌گونه تأکید نمی‌کردیم که تخاصم میان ایران و آمریکا مبنایی است. این مسئله اهمیت دارد که وزارت امور خارجه چه ایده و فکری را به سطوح بالاتر منتقل می‌کند؛ چه به شورای عالی امنیت ملی و چه به مقام معظم رهبری، و وضعیت را چگونه ترسیم می‌کند. بنابراین، شجاعت لازم است که مسئولان سیاست خارجی در سطوح میانی، با توجه به تراکم تخصص و تجربه در وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی، و آشنایی با مناسبات بین‌المللی و تعامل با مقامات خارجی، مسائل را دقیق و پیشنهادات لازم را ارائه دهند. البته طبعاً در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی بر عهده رأس هرم، یعنی شورای عالی امنیت ملی و مقام معظم رهبری است.

❖ شما فکر می‌کنید حتی در همان جایی که دانش و آگاهی متمرکز شده هم به درستی منتقل نشده؟
نشانه‌هایی که می‌بینم من را به این نتیجه می‌رساند. تا آن جایی که من از بیرون می‌بینم، احساسم این است که شاید مطالب آن‌طور که باید و شاید به دقتی که لازم است منتقل نمی‌شود یا همراه با آن پیشنهادات لازم ارائه نمی‌گردد. درحالی‌که در دوره‌های قبل رویه‌ای غیر از این وجود داشت. یعنی یک مسئول نظر خود را می‌داد و از نظر خودش دفاع می‌کرد، می‌ایستاد و از آن دفاع می‌کرد و در نهایت تصمیم با مقامات مافوق بود. به‌طور طبیعی، مقامات مافوق به هر شکلی که تصمیم می‌گرفتند و در نهایت این مسئول، حتی اگر خودش هم موافق نبود، آن دستور مافوق را اجرا می‌کرد. ما اکنون به این وضعیت نیاز داریم. ما اکنون به وضعیتی رسیده‌ایم که شاهدیم هیچ تحرکی در سیاست خار جی ما وجود ندارد و در رابطه با اروپا و در رابطه با آمریکا، سکون و سکوت حاکم شده است. **❖ شاید طرز تفکر یکی از تصمیم‌سازانی که گفته می‌شود در پرونده هسته‌ای خیلی نقش دارد،**

در این مسئله مؤثر باشد. من یک مصاحبه از بهمن‌ماه سال گذشته پیدا کردم که جمله کلیدی آن به‌عنوان تیتیر منتشر شده بود: «ما در شرایط اضطراب مذاکره نمی‌کنیم و در شرایط اقتدار مذاکره می‌کنیم.»
به نظر می‌رسد برای این تصمیم‌ساز و سایر تصمیم‌سازان مشابه، اصلاً مفهومی به نام «شرایط اضطراری» تعریف نشده است. آیا این دیدگاه درست است؟

متأسفانه این نگرش، فکری است که طی چند دهه گذشته بر سیاست حاکم بوده است. برای نمونه، در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز این تفکر مطرح بود که ما در موقعیت قدرت و برتری، مذاکره کنیم. البته به صورت سرپسته و نه آشکار. به صورت آشکار، موضع غالب این بود که صدام باید مجازات شود و شعرهایی مانند «جنگ، جنگ تا پیروزی!» مطرح بود، اما به صورت پوشیده، این ایده وجود داشت که اگر برتری در جنگ حاصل شود، مذاکره انجام خواهد شد. البته این نگرش مربوط به یکی دو سال آخر جنگ بود و نه اوایل آن. با این حال، هرگز این برتری حاصل نشد و با گذر زمان، اوضاع از وضعیت مطلوب فاصله گرفت.

❖ در مورد جنگ که مثال زده شد، ظاهراً اصرار و پافشاری زیادی نیز روی این موضوع وجود داشت. خاطراتی که مطالعه کرده‌ام نشان می‌دهد که امام خمینی مخالف بودند که ایرانی‌ها به آن سوی اورندرو بروند، بصره را تصرف کنند یا وارد خاک عراق شوند. با این حال، اصرار زیادی شد که این اقدامات انجام شود تا جنگ به پایان برسد.

من این‌ها را یادم است. یعنی حضرت امام مخالف بودند با اینکه ما وارد خاک عراق شویم و دست به تعرضی بزنیم که جنگ به داخل خاک عراق کشیده شود، ولی دیگران اصرار کردند و رفتند به شهرهای مختلف و در گردهمایی‌های مردمی صحبت می‌شد که ما باید این کار را انجام دهیم و طرح این ادعا مطرح شد که ما می‌توانیم ظرف چند ساعت یا چند روز بغداد را تصرف کنیم. **➡**

حوزه ثبت ملک لویزان تهران- آگهی تحدید حدود اختصاصی

موجب رای شماره ۱۴۰۴۰۳۰۵۱۵۰۵۱۴۵۸- هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی دولت. نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۷/۸۸ مترمربع به پلاک ۶۷۹۴ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی مقرور از پلاک ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در بخش ۲ تهران در مالکیت الهیار رنجیرنیا فرزند فرج قرار گرفت. به نشانی: تهران- شمیران نو- خیابان مغرای جنوبی- کوچه شهید اصغر غافل (یکم غربی) پلاک ۲۸ مطابق سوابق ثبتی تحدید حدود مفروزی به عمل نیامده است لذا حسب تقاضای مالک و برابر دستور تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی عملیات تحدید حدود پلاک موصوف ساعت ۹ صبح در تاریخ ۱۵-۷-۱۴۰۴ در محل شروع و انجام خواهد آمد. اعتراض نسبت به حدود طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی به مدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد و به استناد ماده ۱۸، اصلاحی آئین نامه قانون ثبت متعرض می‌بایست در مهلت مقرر در آگهی ضمن تسلیم اعتراض به اداره، دادخواست به مراجع ذیصلاح قانونی تقدیم و گواهی مشعر بر طرح دعوی را از مراجع مذکور اخذ به این اداره تسلیم نماید در غیراین صورت حق آن ساقط خواهد شد.

ابوالفضل تریوه / رئیس واحد ثبت حوزه ثبت ملک لویزان تهران / از طرف سیدمجیدرضا سادات حسینی

حوزه ثبت ملک قلهک تهران- آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای فیروز باقرزاده کمال آباد به عنوان مالک چهار ممیز دو دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با اعلام مفقودی سند مالکیت به دلیل گم شدن پلاک مذکور با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضاشده به شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۳۰۵۱۵۱۴۵۸۶۰۰۵۲۷۰ و شماره ترتیب ۱۴۰۴۰۳۰۵۱۴۵۸۶۰۰۵۲۷۰ رمز تصدیق ۸۳۱۸۴۳ مورخ ۲۷/۰۵/۱۴۰۴ دفترخانه ۱۶ تهران طی درخواست وارده ۰۹۶۰۳۰۵۲۶۰۴۰۵۸۵۶۰۴۰۵۴/۰۵/۱۴۰۴ تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:
۱- نام و نام خانوادگی مالک: فیروز باقرزاده کمال آباد (به عنوان مالک چهار ممیز دو دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان)
۲- شماره پلاک ۵۱۳۵ فرعی از ۴۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران
۳- علت گم شدن: سهل انگاری
۴- خلاصه وضعیت مالکیت یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۵۱۳۵ فرعی از ۴۶ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۴۸۳۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۹۱'۰۹ مترمربع که مقدار ۸۷/۱ مترمربع آن مساحت بالکن جنوبی می‌باشد. مشخصات مالکیت: مالکیت فیروز باقرزاده کمال آباد فرزند حسین شماره شناسنامه ۱۷۱۹ تاریخ تولد ۳۱/۰۵/۱۳۴۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۵۴۳۸۵۶۲۲ شماره به عنوان مالک چهار ممیز دو دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۰۵۲۹۳۵ تاریخ ۲۴/۰۳/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۷ شهر تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۳۴۳۸۹۴ سری ج سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۵۲۶۰۴۰۵۵۷ ثبت گردیده است . محدودیت دفتر املاک: اجاره شماره ۱۶۱۰۲۱ و شماره سیستمی ۰۸۹۶۰۴۰۵۲۶۰۴۰۵۲۶۰۳۹۷۰ مورخ ۱۶/۰۷/۱۳۹۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۲۳ شهر تهران استان تهران به نفع توزیع نیروی برق تهران بزرگ به مبلغ ۰۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۹۹ سال ثبت شده است. شماره ۲۲۳ شهر تهران استان تهران به نفع شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص) به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۹۹ سال ثبت شده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت‌المثنای سند مالکیت را طبق مقررات و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

علی خرازی آذریپور/ کفیل حوزه ثبت ملک قلهک تهران / از طرف محمد مفاخری باشماقی

حوزه ثبت ملک نارمک تهران- آگهی فقدان سند مالکیت

آقای کاظم بلوچ با تسلیم تقاضا وارده به شماره ۱۳۱۷۷۰۵۵۰۴۰۵۲۶۰۴۰۵۴۰۴۲۱ مورخ ۲۱/۰۴/۱۴۰۴ منضم به دو ۲ برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۵۴۳۶۶ و ۵۴۳۶۶ مورخ ۱۵/۰۶/۱۴۰۴ با شناسه با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۳۴۷۹ فرعی از ۶۷۱۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۳۶۸۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۲ در طبقه ۳ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۵ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۷۰'۹ مترمربع که مقدار ۵'۸۳ مترمربع آن بالکن است. که در صفحه ۵۳۳ دفتر املاک جلد ۱۱۲ ذیل شماره ۱۶۷۳۱۵ به نام مسعود رحیمی ثبت و سند مالکیت اصلی به شماره چاپی۴۱۶۹۱۹ صادر گردیده است و سپس به موجب سند انتقال شماره ۳۳۲۱۲ مورخ ۲۲/۰۳/۶۳ دفتر ۲۵۵ تهران به نام علی نفعی حمزه و بانو شهربانو مرتضوی زاده بهی هر یک سه دانگ مشاع از ششدانگ انتقال یافته است و سپس به موجب سند انتقال شماره ۲۷۲۵ مورخ ۲۷/۱۲/۱۴۰۴ دفتر ۲۴۰ تهران ششدانگ به نام عبدالعجید انتقال قطعی یافته است و سپس به موجب سند انتقال قطعی شماره ۱۲۲۲ مورخ ۱۴/۰۳/۷۸ دفتر ۳۲۴ تهران به نام محمد روشنی جاوید انتقال قطعی یافته است و سپس به موجب سند انتقال قطعی به شماره ۳۱۰۵۴ تاریخ ۱۸/۰۵/۱۳۸۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۳۰ شهر تهران استان به نام کاظم /بلوچ فرزند حسن شماره شناسنامه ۶۰۷۵ تاریخ تولد ۰۸/۰۸/۱۳۵۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۶۴۴۲۷۹۶۱ به جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان انتقال قطعی یافته است و دارای یک مورد بازداشت دائم به موجب دستور شماره ۰۶۹۰۵۰۵۰۵۰۴۰۵۸۰۴۰۵۸۰۴۰۵ مورخ ۲۱/۰۵/۱۴۰۴ صادره از اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران به نفع ه برای مالکیت کاظم بلوچ بازداشت می‌باشد. به علت مفقودی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

بهروز جشان/ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران / از طرف محرمعلی امیرپور

دیپلمات‌ها

انتقال پرونده هسته‌ای از شمعانی به لاریجانی

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز پنج‌شنبه در گفت‌وگوی ویژه خبری تأیید کرد که مسئولیت پرونده هسته‌ای به‌تازگی از علی شمعانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی به علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی محول شده‌است. عراقچی گفت: «مسئولیت پرونده هسته‌ای ایران همیشه با شورای عالی امنیت ملی بوده است.» او تأکید کرد: «در یک دوره، این وظیفه در داخل کشور به آقای شمعانی سپرده شده بود و اکنون دوباره به دبیر شورا، آقای لاریجانی، محول شده است.» وزیر امور خارجه گفت: «مسئولیت پرونده هسته‌ای همیشه با شورای عالی امنیت ملی بوده است. تصمیم‌گیری در این شورا انجام می‌شود و اجرا بر عهده وزارت امور خارجه است.» عراقچی تصریح کرد: «در مقطعی در گذشته، اجرای تصمیمات نیز مستقیماً در شورا بود اما از زمان دولت آقای دکتر روحانی، این وظیفه به وزارت امور خارجه محول شد.»



درخواست آزادی زندانیان فرانسوی

ژان نوتل بارو، وزیر خارجه فرانسه که به‌زودی از سمت خود کنار خواهد رفت، روز جمعه اعلام کرد که پاریس خواستار آزادی «فوری» و «بی قید و شرط» شهروندان فرانسوی بازداشت‌شده در ایران است. دو شهروند فرانسوی به نام‌های سسیل گُهلر ۴۰ ساله و ژاک پاریس ۷۰ ساله در ۷ مه ۲۰۲۲ به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت شدند. در همین حال، ماجرای «مهدیه اسفندیاری» شهروند ایرانی بازداشت‌شده در فرانسه نیز به محور تازه‌ای از این مناقشه تبدیل شده است. او در فوریه سال جاری میلادی در فرانسه به دلایل حمایت از فلسطین و به اتهام «ترویج تروریسم از طریق شبکه‌های اجتماعی» بازداشت شد؛ اتهامی که تهران آن را ناعادلانه می‌داند و بارها خواستار آزادی فوری او شده است. عراقچی در روز پنجشنبه در گفت‌وگوی تلویزیونی تأکید کرد که مذاکرات برای مبادله زندانیان به مراحل نهایی نزدیک شده و این مبادله شامل آزادی زندانیان فرانسوی در ایران در برابر آزادی اسفندیاری خواهد بود.

ادامه از صفحه اول

هرچند آنها اهرم فشار کمی بر حماس برای وادار کردنش به پذیرش توافقی دارند. در نتیجه، آتش‌بس در غزه احتمالاً دور از دسترس خواهد ماند؛ به این معنی که درگیری غزه برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی ادامه خواهد یافت؛ زیرا اسرائیل عملیات نظامی خود را در نوار غزه گسترش خواهد داد. اگر قطر بخواهد دیگر نقش میانجی را ایفا نکند اما همچنان میزبان رهبران حماس در دوحه باشد، احتمالاً در دوحه اسرائیل بار دیگر به مقر حماس در دوحه حمله خواهد کرد. بنابراین این احتمال وجود دارد که قطری‌ها در مذاکرات آینده‌شان با واشنگتن قانع شوند تا از حماس را از دوحه اخراج کنند. بدیهی که حمله اسرائیل به قطر باعث ایجاد برخی تنش‌های دیپلماتیک بین قطر و ایالات متحده بر سر نقض حاکمیت قطر توسط اسرائیل شود. اما واقعیت این است که اتکای قطر به ایالات متحده در برخورداری از حمایت نظامی و همچنین جایگاه ممتاز قطر به عنوان یک متحد اصلی غیرناتو برای واشنگتن، موجب خواهد شد که روابط دوجانبه دوحه و واشنگتن تغییر نکند. این حملات هوایی که به فاصله کوتاهی پس از حمله موشکی ایران رخ می‌دهد، قطر را مجبور می‌کند تا استراتژی دیپلماتیک خود را در منطقه دوباره تنظیم کند و به دنبال نقش‌آفرینی کم‌رنگ‌تری باشد تا خطر حملات خارجی بیشتر به خاک خود را کاهش دهد. ممکن است قطر به این نتیجه‌برسد که نقش‌آفرینی این‌چنینی در مناقشات منطقه‌ای که قطر به آن معروف است، در داینامیک جدید خاورمیانه در حال تبدیل شدن به ضد خود است و برای قطر خطراتی به همراه خواهد داشت.